

ریشه تصمیمات پرهزینه



حمید روشنایی

کارشناس روابط خارجی

سیاست خارجی عرصه واقعیت‌هاست و نه توهم اما گاهی ارزیابی اشتباه از قدرت، موقعیت و توان دیگر کشورها موجب می‌گردد، مقامات یک کشور دچار توهم شوند. مانند صدام حسین هنگام حمله به ایران و کویت... اما منشأ این توهم از کجاست؟

۱- **توهم قدرت:** کشورها پس از رسیدن به مرحله‌ای از توانمندی، احساس می‌کنند که جایگاه آنها در منطقه یا جهان باید افزایش یابد و دیگران باید آنها را در سطحی بالاتر موردشناسایی قرار دهند. این موضوع باعث گردید که آلمان که در سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۷۱ به وحدت رسیده بود، نیاز به قدرت و افزایش فضای تنفسی کند و همین عامل جنگ جهانی اول گردد. دولت بعث عراق که پس از جنگ با ایران، دارای توان نظامی بالا و ارتش آساده به جنگ بود، به فکر گسترش سرزمینی و اشغال کویت افتاد.

۲- **توهم تهدید:** کشورها براساس تهدیدات خارجی سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کنند. گاهی این تهدیدها منطقی است و گاهی منشأ ذهنی دارد و نوعی سوءظن است. پس از جنگ جهانی دوم، دو بلوک شرق و غرب به دلیل ترس وارد یک مسابقه تسلیحاتی شدند که به افزایش تسلیحات متعارف و غیر متعارف انجامید.

۳- **توهم مشروعبیت:** برخی کشورها به دلیل داشتن قدرت و یا هژمونی پذیرفته‌شده، تصویری از خود دارند که می‌توانند هر اقدامی را با حمایت دیگران انجام دهند و همه از آن‌ها حمایت کنند. نمونه بارز آن حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق بود که به جنگ دوم خلیج فارس مشهور گردید. واشنگتن به‌رغم آوردن دلایل مختلف برای جنگ با صدام، نتوانست موافقت سایر کشورها را به‌دست آورده و آنها را قانع نماید در نتیجه حمله به تنهایی و فقط با پشتیبانی چند کشور انجام شد.

۴- **توهم کنترل:** برخی رهبران تصور می‌کنند که توان و موقعیت آن‌را دارند تا سایر کشورها را تحت کنترل و هدایت خود قرار دهند مانند ترامپ که قبل از رسیدن به ریاست‌جمهوری توهم آن‌را داشت که به سرعت می‌تواند رهبران روسیه و اوکراین را متقاعد کند و جنگ را پایان دهد اما در همان ابتدای کار با شکست مواجه شد و اکنون پس از چندماه به نتیجه مطلوب نرسیده است.

۵- **توهم تاریخی یا ایدئولوژیک:** تاریخ برخی کشورها با نوعی ذهنیت همراه است که تصور می‌کنند اقداماتی را می‌توانند یا نمی‌توانند انجام دهند. برای مثال صهیونیست‌ها دارای یک توهم تاریخی و ایدئولوژیک هستند که اجازه دارند کشوری از نیل تا فارتاسیس کنند و براساس آن نقشه جغرافیایی تعیین و برآن، سکه ضرب می‌کنند. اروپایی‌ها از دیر هنگام نسبت به روسیه بدبینی تاریخی داشته‌اند. اینکه این بدبینی چه مقدار واقعی و چه میزان توهم است، جای بحث و بررسی دارد لیکن این ترس نوعی توهم تاریخی شده است. دولت ترکیه نیز برای تشکیل دوباره دولت عثمانی دارای نوعی توهم است؛ به نحوی که به اقداماتی دخالت‌جویانه در سایر کشورها می‌پردازد.

امپایلمدهای این توهم چه می‌تواند باشد؟

مهمترین دستاورد این توهمات، تصمیم‌گیری‌های پرهزینه و غیرمنطقی و بعضاً همراه با شکست است. جنگ‌های بزرگی در تاریخ به‌دلیل این توهمات صورت پذیرفته است. اشغال افغانستان توسط دولت شوروی، جنگی نتیجه‌وینتام و مقابله‌جویی آمریکا با کمونیست‌ها، حمله آمریکا به عراق برای انتقال موکراسی. یکی دیگر از دستاوردهای این توهمات، انزوای بین‌المللی است. اقدام صدام در اشغال کویت، حمله روسیه به اوکراین و جنگ غزه برای اسرائیل نمونه‌هایی از این پیامدها می‌باشد. کشورها بعضاً تصویری از بر خورده سایر کشورها ندارند و مانند مسکو به ابعاد مختلف حمله خود از جمله ترس نهاده‌شده در دنیای غرب توجه نمی‌کنند و نتیجه آن، تحریم‌های سنگین و از دست دادن منافع مادی و معنوی می‌شود. مشکل دیگر برای دولت‌های متوهم، شکست در اهداف سیاست خارجی می‌باشد. یعنی نفع‌ها این دولت‌ها به رویاها و خواسته‌هایشان دست پیدا نمی‌کنند بلکه اهداف واقعی که می‌توانستند از طرق بهتر به‌دست آورند را هم از دست می‌دهند. دولت آمریکا زان حمله به عراق، باور نمی‌کرد که دولت جایگزین صدام، گرایش به ایران داشته باشد و نتیجه عملیات آن، تشکیل حشدالشعبی و گروه‌های ضدامریکایی گردد. مورد دیگری که رهبران دارای توهم با آن مواجه هستند بی‌اعتمادی داخلی و خارجی نسبت به آنان است. یعنی جهان متوجه می‌شود که این رهبران واقعیت‌ها را درک نمی‌کنند و یا دارای انگیزه‌های بلندپروازانه هستند. نمونه برجسته این نوع رهبران، سرهنگ قذافی رهبر پیشین لیبی بود که با توهمات خودش موجب نابودی حکومت و کشورش شد. وی آنقدر بلندپروازانه و غیرواقعی حرکت می‌کرد که در نهایت مجبور شد امکانات امنی کشورش، افرادی که موجب انفجار هوایمپی لاکربی شده بودند و حکومتش را... تسلیم غربی‌ها نماید. در نهایت باید گفت اندیشه و تصمیمات رهبران یک کشور عامل خوشبختی یا بدبختی مردم آن است. پیروی از توهمات سرانجامی نتیجه‌ای جز شکست و نابودی یک کشور نخواهد داشت.



به سوی توافقی شکننده

توافق امنیتی میان دمشق و تل‌آویو تا چه حد پایدار خواهد بود؟

کند. این امر عمدتاً به دلیل منافع ایالات متحده در حمایت از یک سوریه باثبات و متحد به‌عنوان پیش‌نیازی برای ایجاد ثبات منطقه‌ای جهت محافظت در برابر نفوذ ایران و تهدید داعش است. به‌رغم این دیدگاه در واشنگتن، اسرائیل در چند ماه گذشته حملات هوایی خود را در سوریه تشدید کرده و در مقابل، عملیات زمینی‌اش را در داخل خاک سوریه محدود کرده و اغلب به حفاظت از جوامع دروزی در مناطقی مانند سویدا پرداخته است. در این منطقه درگیری‌های فرقه‌ای در ژوئیه ۲۰۲۵ در نهایت منجر به انجام حملات هوایی نیروی هوایی اسرائیل در نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری در دمشق و وزارت دفاع سوریه شد. بر خلاف موضع ایالات متحده، اسرائیل سوریه‌ای ضعیف را به سوریه‌ای باثبات تحت حکومت اسلام‌گرایان ترجیح می‌دهد، زیرا بیم آن دارد که حکومت الشرع در سوریه در نهایت به یک تهدید امنیتی برای اسرائیل تبدیل شود. این نگرانی، سیاست اسرائیل در حمایت از شبه‌نظامیان مختلف و هدف قرار دادن دارایی‌های نظامی و دولتی سوریه را شکل داده است. در آن سو، کاهش فشار اسرائیل و احیای حدی از تمامیت ارضی به دستور کار دیپلماتیک الشرع تبدیل شده است، زیرا او تثبیت مرز با اسرائیل و توقف حملات اسرائیل به سوریه را برای شروع سریع بهبود اقتصادی و اتحاد سوریه و در نهایت پیشبرد ادغام مجدد این کشور در جامعه بین‌المللی ضروری می‌داند. از زمان فروپاشی رژیم اسد، رقابت ترکیه و اسرائیل نیز در سوریه عمیق‌تر شده است. ترکیه به عنوان متحد اصلی و حامی نظامی دمشق ظهور کرده و برای تقویت اقتدار الشرع و پیشبرد اتحاد در سوریه تلاش می‌کند. در مقابل، اسرائیل استراتژی متضادی را دنبال کرده که هدف آن محدود کردن تثبیت قدرت الشرع - به دلیل بی‌اعتمادی ناشی از گذشته او به عنوان یک نیروی جهانی - تضمین تکه‌تکه ماندن سوریه، محدود شدن نظامی و تضعیف سیاسی حکومت الشرع است.

احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی، یک پیمان امنیتی میان اسرائیل و سوریه که به ایالات متحده یک پیروزی دیپلماتیک مطلوب می‌دهد، حاصل خواهد شد، حتی اگر این توافق احتمالاً دامنه نسبتاً محدودی داشته باشد و برخی از مسائل حیاتی را پوشش ندهد. به‌رغم اختلافات مداوم بین اسرائیل و سوریه، محرک‌های پیمان امنیتی سوریه و اسرائیل بر محدودیت‌ها غلبه دارند و احتمال دستیابی به توافق قبل از پایان سال ۲۰۲۵ بیشتر از همیشه است. سوریه تحت فشار است تا مرز جنوبی خود را تثبیت کند تا دست بازتری برای

اختلافات حل‌نشده میان طرفین، این پیمان را شکننده و در معرض خطر بالای فروپاشی در ماه‌های بعد از امضا نگه خواهد داشت. در روزهای اخیر، مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که سوریه و اسرائیل در حال نهایی کردن پیمانی برای کاهش تنش‌های مرزی خود هستند، و تام باراک، فرستاده ویژه ایالات متحده در سوریه، در ۲۴ سپتامبر خاطرنشان کرد که دو طرف در حال «نزدیک شدن» به امضای توافقی برای محدود کردن استقرار سلاح‌های سنگین سوریه در نزدیکی مرز در ازای توقف حملات اسرائیل به سوریه هستند. اظهارنظر باراک اندکی پس از دیدار مهم احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه، با مارکو ریبوی، وزیر امور خارجه ایالات متحده، در ۲۳ سپتامبر در نیویورک مطرح شد. الشرع و ریبوی در این دیدار در مورد همکاری‌ها علیه تروریسم و پیشرفت در مذاکرات امنیتی با اسرائیل گفت‌وگو کردند. در ۱۸ سپتامبر، اسعد الشیبانی، وزیر امور خارجه سوریه، به واشنگتن سفر کرد تا مذاکرات مربوط به توافق امنیتی با اسرائیل را به کاهش بیشتر تحریم‌ها مشروط کند. درست یک روز قبل، الشرع اعلام کرد که «مذاکرات با اسرائیل می‌تواند در روزهای آینده نتیجه بدهد» و تأکید کرد که هر پیمانی بین اسرائیل و سوریه باید حریم هوایی و تمامیت ارضی سوریه را تحت نظارت سازمان ملل حفظ کند. با این حال، اذعان محتاطانه بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، مبنی بر اینکه به‌رغم پیشرفت‌های اخیر، دستیابی به توافق «هنوز دور از دسترس» است، تأکیدی بر اصرار اسرائیل بر خطوط قرمز خود، مانند خلع سلاح جنوب سوریه، حفظ مواضع نظامی اسرائیل در کوه هرمون و ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز جنوب سوریه است که الشرع تاکنون از پذیرش آن خودداری کرده است.

تلاش برای انعقاد یک پیمان امنیتی بخشی از تلاش‌های میانجیگری ایالات متحده برای کمک به ثبات سوریه و منطقه جنوبی این کشور است. ایالات متحده در عین حال، به نگرانی‌های اسرائیل در مورد سوریه به عنوان یک تهدید بالقوه، توجه دارد و سعی می‌کند سطح حمایت از الشرع برای متحد کردن سوریه و شروع بهبود اقتصادی در این کشور را در راستای نگرانی‌های اسرائیل تنظیم کند. ایالات متحده در چند ماه گذشته به طور فزاینده‌ای در میانجیگری بین سوریه و اسرائیل فعال بوده است. هدف آن، ایجاد یک توافق امنیتی است که حملات هوایی اسرائیل را محدود کند، خروج نظامی اسرائیل از بخش‌هایی از جنوب سوریه را تضمین کند و مرز مشترک سوریه و اسرائیل را تثبیت

نگاه
هم‌میهن

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



روز ۲۳ مه، ایالات متحده اکثر تحریم‌ها علیه سوریه را تعلیق کرد اما برخی از بخش‌های تحریمی مربوط به قانون سزار - که تهدید تحریم‌های ثانویه علیه نهادهایی که با دولت سوریه تجارت می‌کنند را حفظ می‌کند - با توجه به اینکه برای لغو کامل به تأیید کنگره نیاز دارند، همچنان پابرجا هستند.

از زمان فروپاشی حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سابق سوریه در دسامبر ۲۰۲۴، اسرائیل هزاران حمله هوایی به سوریه انجام داده است تا هم بقایای زیرساخت‌های نظامی دوران اسد و هم نیروهای تازه‌تأسیس سوری تحت رهبری الشرع را نابود کند. اخیراً، تنش‌ها میان اسرائیل و سوریه در ماه ژوئیه افزایش یافت. در آن زمان نیروهای نظامی اسرائیل به نمایندگی از شبه‌نظامیان دروزی در استان جنوبی سویدا در سوریه مداخله کردند. این حمله پس از آن انجام شد که درگیری‌های خشونت‌آمیزی بین جنگجویان دروزی، شبه‌نظامیان بادیه‌نشین همسو با دولت و مقامات جدید سوریه رخ داد.

الشرع تأکید کرده است که هر پیمانی با اسرائیل باید حاکمیت سوریه را تضمین کند، منجر به خروج نظامی اسرائیل از جنوب سوریه شده و حذف نیروهای اسرائیلی از کوه هرمون را در پی داشته باشد. الشرع با وجود انکار اینکه تحت فشار ایالات متحده عمل می‌کند، پیشرفت در توافق با اسرائیل را به لغو تحریم‌های ایالات متحده مرتبط دانسته و تأکید کرده است که عادی‌سازی روابط با صلح گسترده‌تر تنها زمانی حاصل خواهد شد که یک چارچوب امنیتی معتبر برقرار شود. الشرع خاطرنشان کرده است که سوریه به دنبال پیمانی براساس مدل توافق‌نامه ترک مخاصمه میان اسرائیل و سوریه است که در سال ۱۹۷۴ امضا شد و مناطق غیرنظامی در ارتفاعات جولان را تحت نظارت یک نیروی حافظ صلح سازمان ملل ایجاد کرد. او این چارچوب را - جداسازی نیروها، نظارت سازمان ملل و خطوط قلمرو پیش از ۱۹۷۴ - به عنوان مبنای هرگونه توافق جدید با اسرائیل می‌داند.

سوریه و اسرائیل احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی یک پیمان امنیتی برای کاهش تنش‌های مرزی امضا خواهند کرد اما دامنه محدود این توافق و سایر